

## بررسی آداب معاشرت در بعد روابط اخلاقی و اجتماعی با غیر مسلمانان از دیدگاه اسلام

حاتم لطف علی<sup>۱</sup>، فاطمه تقی نژاد<sup>۲</sup>، فاطمه بابا رحمتی<sup>۳</sup>، الهه قدیریان<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق و سطح دو حوزه، دانشگاه آیت اله العظمی بروجردی

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد علوم تربیتی

<sup>۴</sup> کارشناسی الهیات

---

### چکیده

ارتباط گسترده بین کشورها و ملت‌ها از ویژگی‌های دنیای امروز است و به همین روی کشورهای اسلامی و مسلمانان نیز از داشتن رابطه با کشورهای بیگانه و ملت‌های غیرمسلمان گریزی ندارند. لذا در این ارتباط علاوه بر حفظ منافع ملی، پای بندی به اصول ارزشی و دستورات دینی در زمینه روابط اخلاقی و اجتماعی با کشورهای غیرمسلمان، که قرآن کریم و روایات بیان می‌کنند، بسیار ضروری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی آداب معاشرت در بعد روابط اخلاقی و اجتماعی با غیر مسلمانان از دیدگاه اسلام و به روش توصیفی و از نوع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است اسلام، دین فطرت پاک انسانی و آیین مهرورزی است و برای هدایت و سعادت همه بشریت آمده است و از آن جا که انتخاب دین امری اختیاری است، همیشه در همه جوامع اسلامی افراد غیر مسلمان کم و بیش یافت می‌شوند، دستور اسلام رعایت حقوق، خوش رفتاری و هم زیستی مسالمت آمیز با همه انسان‌ها مخصوصاً پیروان سایر ادیان است. چه آنان که در جامعه اسلامی و در تحت حکومت اسلام زندگی می‌کنند و چه کسانی که در جوامع غیر اسلامی هستند.

---

**واژه‌های کلیدی:** آداب معاشرت، مسلمانان، غیر مسلمانان، اسلام، روابط اجتماعی

---

## ۱- مقدمه

نیازهای مادی و معنوی، انسان را به سمت زندگی اجتماعی کشانده است، به طوری که جهت بهره‌گیری از خدمات مادی و معنوی دیگران، نیازمند ارتباط با آنهاست و برای دوام ارتباط و زندگی جمعی، نیازمند ضابطه و قانون در روابط اجتماعی است؛ چرا که بدون ضابطه و پایبندی به آن، شالوده زندگی اجتماعی از هم می‌پاشد. از این رو، توجه کردن و به کار بستن اصول حاکم بر روابط اجتماعی برای افراد در نهادهای مختلف اجتماعی امری ضروری است و بر تمام اعضای جامعه واجب است که از هنجارها، ارزشها و قوانین جامعه پیروی کنند. (آقاپور، ۱۳۹۱)

دین مبین اسلام در زندگی اجتماعی انسان بسیار تأثیرگذار است. دین با ایجاد تعهد و حس مسئولیت در انسان نسبت به هموعان و افراد اجتماع و افشاندن بذر صلح و صفا، اعتماد و علاقه نسبت به یکدیگر موجب می‌شود که در اجتماع نیز همبستگی اجتماعی و روابط سالم برقرار شود و از این رو برای تحکیم روابط اجتماعی انسان نیاز به تعامل با دیگران است.

به طور کلی دین مجموعه عقاید و قوانین و مقرراتی است که هم به اصول فکری بشر نظر دارد و هم درباره اصول گرایشی وحی سخن می‌گوید و هم اخلاق و شئون زندگی او را تحت پوشش قرار می‌دهد و در واقع مجموعه عقاید، اخلاق قوانین و مقرراتی است که برای اداره جامعه انسانی و پرورش انسانها در اختیار انسان قرار دارد. بنابراین دین مبتنی بر وحی از سه بخش کلی متناظر با سه ساحت نظر (اعتقادات)، خلق و خوی (اخلاق) و عمل (احکام) انسان تشکیل شده است. بطوریکه بخش اعتقادات شامل حقایق و واقعیهایی است که باور و اعتقاد به آنها از انسان خواسته است. بخش اخلاق نیز فضائل و رذائل اخلاقی را به انسان شناسانده و راه تهذیب نفس را از رذایل و تخلق به فضائل را به او ارائه داده است. بخش احکام نیز شامل شریعت، مناسک و مقرراتی است که چگونگی کیفیت روابط اجتماعی، حقوقی، مدنی، سلوک اجتماعی و کیفیت روابط اقتصادی و سیاسی و نظامی را در بر می‌گیرد. دین از طریق نظارت درونی تأثیر و نقش بسزایی در کنترل افراد جامعه و بهبود روابط اجتماعی ایفا میکند. دین با برنامه‌ریزی جمعی برای مبانی ارزشهای انسانی و معنوی، نقش محوری و اساسی در ترسیم ساختارهای اجتماعی دارد.

## ۲- ادبیات تحقیق

انسان موجودی اجتماعی است. این حکمی است که همگان بر آن اتفاق و اجماع دارند، هرچند که درباره علل و اسباب آن اختلاف دارند. اجتماعی بودن انسان مقتضی این است که روابط خود را با دیگری بشناسد و به درستی سامان دهد. بخش بزرگی از احکام و قوانین عقلانی و عقلایی و آموزه‌های اخلاقی به حوزه رفتار اجتماعی و چگونگی ارتباطات بشری و ساماندهی آن، بازمی‌گردد.

اسلام به عنوان دین و سبک زندگی بشر، به این مهم توجه ویژه‌ای مبذول داشته است، به ویژه که از نظر اسلام، زندگی دنیوی، قرار گرفتن آدمی در زیان و خسران مبین است که تنها با ایمان و عمل صالح از سویی و دعوت و توصیه دیگران به ایمان و عمل صالح به عنوان یک مسئولیت اجتماعی از سویی دیگر، می‌توان از آن رهایی یافت. (سوره عصر) بنابراین، روابط سالم اجتماعی، به عنوان یک عامل رهایی از خسران و دست‌یابی به رستگاری در محور آموزه‌های قرآنی قرار می‌گیرد و معاشرت با دیگران از جایگاه مهم و اساسی در زندگی بشر برخوردار می‌شود. انسان کامل از نظر اسلام کسی است که خود را براساس آموزه‌های عقلانی و وحیانی، متاله و خدایی کرده و سپس در مقام مظهریت ربوبیت و پروردگاری از خدا و خلافت از او، به مسئولیت خود در قبال دیگران بپردازد. انجام این مسئولیت در مقام مظهریت ربوبی، در حوزه تعامل با انسان‌ها، نیازمند

معاشرت و ارتباط درست و سالم با دیگران است. اینجاست که قوانینی برای تعامل درست و معاشرت و ارتباط سالم، از سوی وحی و عقل تبیین می شود. البته از آن جایی که انسان موجودی لطیف و کلمه وجودی خاصی است، نوعی ارتباط و معاشرت با او، از نوع پیچیدگی برخوردار می باشد و برای ایجاد ارتباط سالم کامل، لازم است تا لطایفی مورد توجه قرار گیرد. این گونه است که آداب معاشرت به عنوان لطایف پیچیده در ارتباطات و معاشرت انسانی از سوی عقل و شرع مطرح شده و خداوند بخشی از آیات قرآنی را به آداب معاشرت سالم و درست اختصاص داده است تا انسان در رسیدن به مقامات کامل انسانی و نقش آفرینی درست در مقام ظهور ربوبی، از آن استفاده کند. (بی نا، ۱۳۹۵)

در این زمینه پژوهش هایی در رابطه با اهمیت و اصول آداب معاشرت در اسلام نیز انجام شده است :

میرزایی (۱۳۹۱) در تحقیق خود پیرامون بررسی اخلاق معاشرت و ضرورت آسیب شناسی آن از دیدگاه دین مبین اسلام پس از بررسی اهمیت و جایگاه اخلاق معاشرت به انواع معاشرت های اجتماعی اشاره کرده و ضمن بررسی معیارهای اخلاق معاشرت در حوزه اجتماعی در پایان به شناخت و ضرورت آسیب شناسی اخلاق معاشرت از دیدگاه دین مبین اسلام که شامل: دخالت بی جا در امور و حریم خصوصی زندگی دیگران، شایعه پراکنی، سوء استفاده ابزاری و فرصت طلبی از دیگران و بالاخره عدم اعتدال ورزی و تعادل در روابط دوستی با دیگران پرداخته است.

ایمانی و زارعی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی آداب و اخلاق و معاشرت از دیدگاه اسلام پرداخته و بیان کردند « انسان موجودی اجتماعی است که ارتباط و انس با دیگران از ضروریات زندگی او به شمار می رود احساس نیاز به معاشرت صمیمانه و همدلی و همراهی با دیگران، علاوه بر اینکه یکی از جلوه های زندگی اجتماعی به شمار می رود، ندایی برخاسته از اعماق وجود انسان است. انسان بعد از تولد در محیط های مختلف قرار می گیرد هر محیطی به گونه ای در رشد و شکوفایی استعداد های انسان موثر است. اجتماع یکی از این محیط ها به شمار می رود. بدون ارتباط با دیگران بخشی از استعداد های انسان شکوفا نمی شود. آداب رابطه با دیگران بروز دهنده شخصیت و اخلاق افراد است و انسان بدون آگاهی از اخلاق و آداب اجتماعی و عمل به آنها زندگی تلخ، ناموفق و آسیب پذیری دارد. لازمه معاشرت صحیح، شناخت روحيات، خلیات و درک متقابل اطرافیان است. انسانیت انسان وقتی شکل میگیرد که ارزش های اخلاقی در وجود او متبلور شود. هر انسانی را به میزان ظهور ارزش های اخلاقی در افکار و گفتار او ارزیابی می کنند. اولین نمودی که از یک شخص در جامعه ظاهر می شود اخلاق آن فرد است. آداب اجتماعی که شامل ادب فردی و رفتارهای اجتماعی افراد است از مباحث مهم اخلاقی است. اصولاً آنچه در روان شناسی غرب به نام آداب و اصول اخلاقی از آن یاد می شود نسبی است که دامنه آن تا حریم اصول بنیادین پیش رفته و نتایجی ای جز تغییر مداوم ارزش های قراردادی نیست. سلام کردن و مصافحه - خویشت رویی و خوش گویی و صلح ارحام از جمله نمونه های عملی و مصداق های خاص و روشن است تا مرزهای دوستی و پیوند های عاطفی استوارتر گردد و در آخر ثمرات رعایت آداب معاشرت می باشد که درد و بعد فردی و اجتماعی آورده شده تا بتوان آن را در زندگی خود جاری ساخت تا ارتباط موثر و جامعه پویا و سالم داشته باشیم. »

### ۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی آداب معاشرت در بعد روابط اخلاقی و اجتماعی با غیر مسلمانان از دیدگاه اسلام، به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی از جمله کتب، مقالات و پایان نامه ها می باشد.

### ۴- یافته‌های تحقیق

روابط و ارتباطات اجتماعی سالم، بنیاد جامعه را می سازد. روابط اجتماعی، افزون بر اینکه تاثیرات شگرفی بر روان شخص به جا می گذارد و روحیات وی را متاثر می کند، همچنین تاثیرات بسزایی نیز بر جامعه به جا می گذارد. هرچه شخصیت فرد قوی و استوارتر باشد، تاثیرات وی بر جامعه بیشتر خواهد بود. کاهش یا افزایش دایره نفوذ هر کسی بر جامعه ارتباط تنگاتنگی با خصوصیات و صفات وی دارد.

البته در این میان نمی توان از آداب معاشرت غافل ماند؛ زیرا محافظت و صیانت بر آداب و رسوم اجتماعی می تواند دایره نفوذ اجتماعی شخص را افزایش دهد و تقویت نماید. بر این اساس، هر انسانی به ویژه مومن می بایست به این آداب توجه کند و از آن برای افزایش دایره نفوذ و تاثیرگذاری بر جامعه در راستای رهایی خود از خسران و زیان مبین و ظهور در نقش ربوبیت بهره گیرد.

### آداب معاشرت اسلامی

معاشرت، واژه ای عربی برگرفته از عشره به معنای آمیختن و مصاحبت است. معاشرت در اصطلاح به معنای ارتباط، دوستی، رفت و آمد داشتن با کسی، گفت و شنید کردن با هم، با هم زیستن، همدمی، رفاقت، با کسی زندگی کردن، خوردن و آشامیدن با هم و نشست و برخاست است (لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷) بنابراین، معاشرت به طور کوتاه مدت و یا بلندمدت و در حد اعلا و یا اقل آن صورت می پذیرد و اختصاص به دور زمانی بلندمدت ندارد. براین اساس، هرگونه روابط کوتاه مدت یا بلندمدت میان افراد یک جامعه می بایست در چارچوب قوانین و آدابی شکل گیرد تا این روابط و معاشرت، سالم اسلامی باشد. رعایت هنجارهای رفتاری و اخلاقی از اصولی است که خداوند در آموزه های قرآنی به عنوان آداب معاشرت از آن یاد کرده و بدان توجه داده است. از جمله مهمترین هنجارهایی که می بایست در معاشرت بدان اهتمام ورزید موارد زیر است:

### احترام به عقاید و مقدسات دیگران :

« وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . [به معبود] کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبدا آن ها [نیز] از روی ظلم و جهل، خدا را دشنام دهند. این گونه برای هر امتی عملشان را زینت دادیم . سپس بازگشت همه ی آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آن ها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد [و پاداش و کیفر می دهد]. » (انعام، آیه ۱۰۸)

## احترام به عالمان و دانشمندان حاضر در مجلس :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ . ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشید [و به تازه واردها جا دهید]»، وسعت بخشید، خداوند [بهشت را] برای شما وسعت می‌بخشد؛ و هنگامی که گفته شود: «برخیزید»، برخیزید؛ اگر چنین کنید، خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. » (مجادله، آیه ۱۱).

## احسان به دیگران :

« أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ . و در راه خدا انفاق کنید؛ و [با ترک انفاق،] خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید؛ و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد. » (بقره، آیه ۱۹۵)

«الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ . [همان] کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از [خطای] مردم درمی‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. » (آل عمران، آیه ۱۳۴)

## نرمی در گفتار و پایین آوردن صدا در معاشرت و سخن گفتن :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ . إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ . ای اهل ایمان، فوق صوت پیغمبر صدا بلند نکنید و بر او فریاد بر مکشید چنانکه با یکدیگر بلند سخن می‌گویید، که اعمال نیکتان (در اثر بی ادبی) محو و باطل شود و شما فهم نکنید. آنان که نزد رسول خدا به صدای آرام و آهسته سخن گویند آنها هستند که در حقیقت خدا دلپایشان را برای تقوا آزموده. آنها ایند که آموزش و اجر عظیم دارند. » (حجرات، آیات ۲ و ۳)

## پذیرش دعوت دیگران برای شرکت در مهمانی :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا . ای کسانی که ایمان آوردید به خانه‌های پیغمبر داخل مشوید مگر آنکه اذنتان دهند و بر سفره طعام دعوت کنند در آن حال هم نباید زودتر از وقت آمده و به پختن و آماده شدن آن چشم انتظار گشایید بلکه موقعی که

دعوت شده‌اید بیایید و چون غذا تناول کردید زود (از پی کار خود) متفرق شوید نه آنجا برای سرگرمی و انس به گفتگو پردازید، که این کار پیغمبر را آزار می‌دهد و او به شما از شرم اظهار نمی‌دارد ولی خدا را بر اظهار حق خجلتی نیست و هر گاه از زنان رسول متاعی می‌طلبید از پس پرده طلبید، که حجاب برای آنکه دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است و نباید هرگز رسول خدا را (در حیات) بیازارید و نه پس از وفات هیچ‌گاه زناش را به نکاح خود در آورید، که این کار نزد خدا (گناهی) بسیار بزرگ است. « (احزاب، آیه ۵۳)،

### سلام کردن :

« وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا . هرگاه به شما تحیتی گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا [لااقل] به همان‌گونه پاسخ گویند. خداوند حساب همه چیز را دارد. « (نساء، آیه ۸۶)

### خوش خلقی و خوشرویی :

« فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ . به سبب رحمت الهی، در برابر مؤمنان، نرم و مهربان شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آموزش بطلب؛ و در کارها، با آنان مشورت کن ! اما هنگامی که تصمیم‌گرفتی، [قاطع باش و] بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد. « (آل عمران، آیه ۱۵۹)

### دفع بدی با خوبی

« ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ . بدی را به بهترین راه و روش دفع کن [و پاسخ بدی را به نیکی ده]. ما به آنچه توصیف می‌کنند داناتریم. « (مومنون، آیه ۹۶)

« وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ . هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه [خواهی دید] همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است. « (فصلت، آیه ۳۴)،

### سخن نیک و رفتار نیکو داشتن

« وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ . و [به یادآورید] زمانی را که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم

که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید؛ و به مردم سخن نیک بگویید؛ و نماز را برپا دارید؛ و زکات بپردازید. سپس [با این که پیمان بسته بودید] همه‌ی شما جز عده‌ی کمی سرپیچی کردید و [از وفای به پیمان خود] روی گردان شدید. « (بقره، آیه ۸۳)

### صبر و شکیبایی در برابر گفته های مخالفان

« وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا . وَ در برابر آنچه [دشمنان] می‌گویند شکیبا باش و به طرزی شایسته از آنان دوری گزین. « (مزمل، آیه ۱۰)

« ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ . وَ آن گاه هم از آنان باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به اهمیت صبر و مهربانی با خلق سفارش می‌کنند. « (بلد، آیه ۱۷)

### صداقت در گفتار و اعمال

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ . ای اهل ایمان، خداترس باشید و با مردان راستگوی با ایمان بییونددید. « (توبه، آیه ۱۱۹)،

### رعایت عدالت

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا . ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد، (برای هر کس شهادت می‌دهید) اگر فقیر باشد یا غنی، خدا به (رعایت حقوق) آنها اولی است، پس شما (در حکم و شهادت) پیروی هوای نفس نکنید تا مبدا عدالت نگاه ندارید. و اگر زبان را (در شهادت به نفع خود) بگردانید یا (از بیان حق) خودداری کنید خدا به هر چه کنید آگاه است. « (نساء، آیه ۱۳۵)

### عفو و نادیده گرفتن لغزش های مردم و گذشت از خطای آنان

« وَ دَكَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . بسیاری از اهل کتاب آرزو دارند که شما را از ایمان به کفر برگردانند به سبب رشک و حسدی که در نفس خود بر ایمان شما برند بعد از آنکه حق بر آنها آشکار گردید، پس (اگر ستمی از آنها به شما رسید) در گذرید (و مدارا کنید) تا هنگامی که فرمان خدا برسد، که البته خدا بر هر چیز قادر و تواناست. « (بقره، آیه ۱۰۹)

### ملاک ها و معیارهای معاشرت

اما اینکه در معاشرت چه معیارهایی را در نظر داشته باشیم تا معاشرت های ما انسان ساز و جامعه ساز باشد و ما را در مسیر اهداف و فلسفه آفرینش یاری رساند، موضوعی است که در آیات دیگر قرآن به آن توجه داده شده است. در قرآن دست کم می توان هفت معیار و ملاک برای معاشرت های انسانی شناسایی کرد که در اینجا به طور اجمال به آنها پرداخته می شود. از مهم ترین معیارهایی که خداوند برای معاشرت و دوستی با دیگران بیان می کند، مساله ایمان است؛ زیرا ارتباطات میان مومنان با غیرمومنان می تواند تاثیرات منفی به جا گذارد؛ زیرا انسان همان اندازه که تاثیرگذار است ممکن است از دیگران تاثیر بپذیرد و کسی که کامل ساخته نباشد در معرض خطر است. از این رو از جمله شرایط دوستی و معاشرت بر ایمان تاکید می شود. (آل

عمران، آیه ۲۷ و نساء آیه ۱۴۴ و انفال، آیه ۷۲) دومین معیار در معاشرت ها و دوستی ها، تقواست که یکی از مهم ترین ملاک های قرآنی است و خداوند در آیاتی از جمله ۶۷ سوره زخرف بر آن تاکید کرده است.

صداقت و راستگویی (نساء آیه ۶۹)، صلاح و درستکاری (همان)، عرف عقلایی و خرد جمعی و سیره خردمندان (بقره، آیه ۲۲۹ و نساء آیه ۱۴ و لقمان، آیه ۱۵ و طلاق، آیه ۲) در کنار معیار مصلحت و مصالح عمومی و خصوصی (انعام، آیه ۱۵۲ و اسراء آیه ۳۴) و هجرت از محیط ناسالم به محیط سالم اجتماعی (نساء، آیه ۸۹ و نیز انفال، آیات ۷۲ تا ۷۵ و حشر، آیه ۷) از جمله مهم ترین ملاک ها و معیارهای دوست گزینی و معاشرت با مردم است که خداوند بر آن تاکید کرده است.

### آداب معاشرت با غیر مسلمانان

اصول اخلاقی زندگی نوعاً موضوعاتی اجتماعی است و مربوط به ارتباط یک انسان با دیگران است، مانند رحم، مروت، عدالت، صداقت، انصاف... که در تمامی آنها این اصول ثابت است و تفاوتی نمی کند که دیگران مسلمان باشند یا غیر مسلمان، یعنی هراسانی نسبت به دیگران باید رحیم، کریم، عادل، صادق و منصف باشد! ولی بعضی دیگر از اصول اخلاقی هست که راجع به معاشرت مسلمان با غیر مسلمان است و در قرآن نسبت به آنها تذکر داده شده است. (بی نا، ۱۳۹۲)

یکی از این اصول «اصل نفی سلطه کافران بر مسلمانان» (نفی سبیل) است که بر تمام اصول دیگر حاکمیت دارد. این اصل برگرفته از سخن خداوند متعال است که می فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز بر ازیان مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» (نساء: ۱۴)

«سبیل» در نظر لغت دانان به معنای طریق و راه، و کلمه «علی» به معنای قدرت بر تصرف یا به معنای ضرر است. با توجه به «لن» نافی که دلالت بر نفی ابد می کند و نکره آمدن «سبیل» که نکره در سیاق نفی بوده و مفید عموم است. از این آیه استفاده می شود که خداوند متعال هرگز برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نگذاشته و باز نخواهد گذاشت. طبق این آیه شریفه تمام روابط باید بر اساس این اصل، برنامه ریزی و کنترل شود و ارتباط میان مسلمانان و کافران نباید به گونه ای باشد که ذلت جامعه اسلامی از آن استشمام شود. بنابراین، از هر نوع ارتباطی که جامعه اسلامی را به جامعه کفر وابسته کند باید دوری شود. در این نوشتار برای پرهیز از تطویل بحث، تنها برخی از روابط اخلاقی و اجتماعی بررسی می گردند: (سلطانی، ۱۳۸۳)

### ۱. رعایت عدالت در برخوردها

قرآن کریم، هدف از فرو فرستادن کتاب های آسمانی و آمدن پیامبران را فراهم کردن زمینه اجرای قسط و عدالت در جامعه می داند و بدون محدود کردن اجرای قسط و عدل به مورد خاصی، از مؤمنان می خواهد آن را در همه زمینه ها رعایت کنند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) نیز همانند پیامبران دیگر به اجرای عدالت در همه امور مأمور بود. خداوند متعال در مورد داوری به عدالت در میان کافران به آن حضرت می فرماید: «فَإِنْ جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.» اگر [کافران] نزد تو آمدند [یا] میان آنان داوری کن یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید و اگر داوری می کنی پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می دارد. «(مائده: ۴۲)؛



آیه دیگری، از مؤمنان می‌خواهد که حتی با دشمنان خویش، به عدالت رفتار کنند و به آنان هشدار می‌دهد مبادا دشمنی آنان شما را به گناه و ترک عدالت وادار کند: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ . » (مائده: ۸) بنابراین، رفتار عادلانه در مورد دشمن نیز مطلوب بوده و کفر کافر، مانع اجرای عدالت درباره وی نمی‌شود.

اعتدال در رفتار و گفتار راه و رسم اعتدال کوتاهترین و استوارترین راه تربیت است و سلامت فرد و جامعه در گرو تربیتی متعادل است. زیرا هر گونه انحراف از اعتدال و افراط و تفریط در صفات و اعمال و رفتار، انحراف از حق است. لذا حکما اساس اخلاق را در اعتدال در خوبیها و صفات می‌دانند و برای نجات و رستگاری انسان و رساندن او به سعادت، راه اعتدال را توصیه می‌کنند

از آنچه گذشت این نتیجه به دست می‌آید که همان گونه که رعایت قسط و عدل با مسلمانان مطلوب خداوند متعال است، رعایت آن با غیر مسلمانان نیز مطلوب خداوند و وظیفه حاکم اسلامی و همه مسلمانان می‌باشد. بنابراین، ما مأمور به اجرای عدالت با همه افراد و در تمام حالات هستیم

## ۲. نیکی کردن به پیمان داران

با توجه به اینکه قرآن کریم، انفاق در آسانی و سختی، فرو خوردن خشم، گذشت از مردم، و احترام به پدر و مادر را از مصادیق احسان می‌شمارد ۱۳ روشن می‌شود که احسان به معنای پاسخ دادن کار خیر با خیر بیشتر از آن و کار شرّ به شرّ کمتر از آن است. بر اساس آیات قرآن، همان گونه که احسان به مسلمانان مطلوب آفریدگار جهانیان است، احسان به غیرمسلمان غیرحربی نیز مطلوب خداوند می‌باشد. تا جایی که در آیات شریفه، به صله رحم به صورت مطلق تأکید شده است و در خصوص پدر و مادر مشرک که سعی در مشرک نمودن فرزند خویش دارند، سفارش به برخورد نیکو و پسندیده نموده، می‌فرماید: « وَإِن جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ; و اگر تو را وادارند تا در باره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرکورزی، از آنان فرمان مبر ولی در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن .» (لقمان: ۱۵)

به تصریح قرآن کریم، احسان شامل غیر مسلمان حربی نمی‌شود:

« لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ . خدا شما را از کسانی که در آکار [دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در آکار [دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر همپشتی کرده اند .» (ممتحنه: ۸ و ۹)؛

از سیاق آیات و ویژگی‌هایی که در این دو آیه آمده روشن می‌شود که منظور از کسانی که با مسلمانان نجنگیده و آنان را از دیارشان بیرون نکرده اند، کافرانی هستند که با پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و مسلمانان بر ترک جنگ، بیرون نراندن مسلمانان و کمک نکردن دشمن بر ضرر مسلمانان عهد و پیمان بسته بودند، همان گونه که بیشتر مفسران مراد از این افراد را کافران معاهد دانسته‌اند. بر اساس آیه، همانند احسان به مستمندان جامعه اسلامی، احسان به مستمندان جوامع غیر مسلمان

نیز مورد رضایت خداوند است. برای مثال، اگر غیر مسلمانان، که با مسلمانان معاهده و پیمان دارند، دچار قحطی و خشکسالی یا سیل و زلزله و مانند آن شوند، مسلمانان باید به افراد آن جامعه کمک کنند.

### ۳. امانت داری و پای بندی به عهد و پیمان

به دلیل آنکه شکستن پیمان نوعی مکر و حيله است و موجب پایمال شدن حقوق افراد می شود، عقل انسانی، پای بندی به عهد و پیمان را ضروری و لازم می بیند. از این رو، قرآن کریم، التزام به عهد را امری ضروری دانسته و در آیات فراوانی با عبارت های مختلف بر وفای به عهد و پیمان در همه مصادیق آن تأکید و به تمام معنا درباره آن سخت گیری کرده و پیمان شکنان را نکوهش نموده و به آنان وعده عذاب سخت داده است. در مقابل، از کسانی که به عهد خویش وفا کنند تمجید کرده است و در پاره ای از آیات، پای بند بودن به عهد و پیمان در برابر خالق و خلق از ویژگی مؤمنان و نمازگزاران شمرده شده، گویی از ایمان سرچشمه گرفته و خیانت در آن از نقص یا فقدان ایمان است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ.» (مؤمنون: ۸ / معارج: ۳۲)

آیات دیگری، مسلمانان را بر التزام به قراردادهای و پیمان های خود با غیر مسلمانان حتی اگر طرف قرارداد مشرکان باشند، فرمان می دهد و از همگان می خواهد که به این نوع از قراردادهای پای بند باشند؛ از جمله می فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتَمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» اگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته اید و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده اند، پس پیمان اینان را تا [آپایان] مدتشان تمام کنید؛ چرا که خدا پرهیزگاران را دوست دارد» (توبه: ۴)؛

خداوند متعال در آیات نخستین سوره توبه، که پس از فتح مکه نازل شد، بیزاری خویش و رسولش را نسبت به مشرکان اعلام نموده و امان را از آنان برداشته و مسلمانان را موظف می کند سرزمین مکه را از پلیدی شرک پاک سازند. قرآن کریم در این آیه خون همه مشرکان را هدر دانسته، می فرماید: «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ...»؛ «این آیات [اعلام بیزاری] او عدم تعهد [است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته اید. «

(لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا) یعنی عهد را به طور مستقیم و با کشتار مسلمانان نشکسته باشند و (وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا) یعنی به صورت غیر مستقیم و با یاری دشمنان مسلمانان بر ضد آنان عهد خویش را نشکسته باشند. بنابراین، التزام به قراردادهای بین المللی مورد تأکید قرآن است تا جایی که به مسلمانان دستور می دهد اگر طرف قرارداد مشرکان باشند تا زمانی که آن ها به عهد خود استقامت می ورزند شما هم استقامت کنید و از تقوای الهی خارج نشوید:

«إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» ، مگر با کسانی که کنار مسجدالحرام پیمان بسته اید، پس تا با شما [بر سر عهد] پایدارند با آنان پایدار باشید؛ زیرا خدا پرهیزگاران را دوست می دارد. «(توبه: ۷)؛ بنابراین، قرآن کریم هر نوع عهد و پیمان و قرارداد را فردی یا گروهی با مسلمانان یا غیر مسلمانان، به ضرر یا نفع فرد باشد - واجب می داند و تنها موردی که پای بندی به عهد و پیمان را ضروری نمی داند موردی است که طرف مقابل پیمان شکنی کرده باشد.

در سوره مائده/ ۱ نیز راجع به لزوم وفا به عهد و پیمان، می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...» بطوری که از روایات اسلامی و سخنان مفسران بزرگ استفاده می شود، این سوره آخرین سوره (و یا از آخرین سوره های) است که بر پیامبر صلی

الله علیه و آله نازل شده است. در این سوره- به خاطر همین موقعیت خاص- تأکید روی یک سلسله مفاهیم اسلامی و آخرین برنامه های دینی و مسأله رهبری امت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله شده است و شاید به همین جهت است که با مسأله لزوم وفای به عهد و پیمان، شروع شده، و در نخستین جمله می فرماید: «ای افراد با ایمان به عهد و پیمان خود وفا کنید» (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ). تا به این وسیله افراد با ایمان را ملزم به پیمانهایی که در گذشته با خدا بسته اند و یا در این سوره به آن اشاره شده است بنماید.

#### ۴. جدال احسن با اهل کتاب هنگام دعوت به توحید و اسلام

اسلام به رعایت ادب و دوری جستن از عناد و لجبازی و بی عفتی در سخن گفتن هنگام دعوت نمودن اهل کتاب به توحید و اسلام عنایت خاص دارد و از مؤمنان می خواهد با آنان جز به نیکوترین روش مجادله نکنند: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛ و با اهل کتاب جز به [شیوه ای] که بهتر است مجادله مکنید مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده اند و بگویند به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده ایمان آوردیم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویمیم. «(عنکبوت: ۴۶)

خدای سبحان در آیه پیش از این آیه به رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)فرمان می دهد تا از راه تلاوت آیات قرآن انسان ها را به راه خدا و توحید دعوت نماید. خداوند در این آیه به چگونگی دعوت اهل کتاب اشاره نموده و از پیامبرش می خواهد که با اهل کتاب جز به بهترین نوع مجادله سخن نگوید. از دید مفسران، مراد از جدال احسن یا بهترین روش مناظره، روشی است که در آن از سخنی که طرف مقابل را به دشمنی بیشتر و لجبازی وامی دارد، دوری شود و از بی عفتی در سخن و توهین به مقدسات طرف مقابل پرهیز گردد و هر دو طرف خواهان روشن شدن حق باشند. آیه در ادامه، به قرینه سیاق، گروهی را از حکم جدال احسن در گفتگو استثنا می کند، اینان گروه معاند از اهل کتابند که نرمی و مهربانی در سخن و یا استفاده از برهان هنگام گفتگو در آن ها اثری ندارد: (إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ). این آیه تأیید دیگری است بر این مطلب که احسان و نیکی شامل غیر مسلمان حربی نمی شود.

درسوره عنکبوت / ۴۶ نیز می فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ...» با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی که از آنها مرتکب ظلم و ستم شدند...

۱. گفتگو با غیر مسلمان نیز باید با بهترین شیوه باشد.

۲. جدالی مورد پذیرش است که محتوای آن و شیوه و الفاظش احسن باشد.

۳. «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» تبادل نظر و گفتگوی صحیح میان مکتب ها، فرهنگ ها و امت ها مورد قبول اسلام است.

۴. «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» مخاطبان خود را بشناسیم و با هر دسته به نوعی مناسب برخورد کنیم. زیرا برای ستمگران، منطق، گفتگو و نرمش کارساز نیست.

۵. «إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا» همه ی مخالفان اسلام، ستمگر نیستند.

۶. «إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» در گفتگوها، قبل از اظهار عقیده و نظر، آنچه را که مورد اتفاق است مطرح کنیم.

۷. «إِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ» ایمان به تنهایی کافی نیست، تسلیم و اطاعت نیز لازم است. «أَمَّا ... نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»

## ۵. دوستی نکردن با غیر مسلمانان

دوستی و مهربانی با هموعان از ویژگی هایی است که در وجود انسان به ودیعت نهاده شده است؛ چرا که انسان اجتماعی آفریده شده و به تنهایی قادر به برآوردن نیازمندی های خویش نیست. بنابراین، نیازهای مادی و معنوی انسان، وی را به ایجاد رابطه با افراد و محبت به آنان بر می انگیزد. گرچه میل به دوست یابی، فطری انسان است، ولی این میل باید با هدف آفرینش انسان همسو باشد و در این قالب جریان یابد. به دلیل آنکه دوست می تواند تأثیرات قابل توجهی در روحیه فرد بگذارد، دین مبین اسلام سفارش فراوانی بر دقت در انتخاب دوست و پرهیز از دوستی هایی که ممکن است در انسان اثر منفی بگذارد می نماید. از این رو، خداوند سبحان در آیات بسیاری به عدم دوستی مسلمانان با کافران و مشرکان سفارش می کند؛ مانند:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند. (آل عمران: ۲۸) با توجه به قید «من دون المؤمنین» که در این آیه و برخی دیگر از آیات نهی کننده از دوستی کافران آمده است روشن می شود که هر نوع دوستی با کافران که جای دوستی با مؤمنان را بگیرد، مصداق دوستی نهی شده در آیات است.

بر اساس آیات، دوستی دو نوع است: موالات قلبی و موالات عملی.

۱. **موالات قلبی:** اگر ایمان در قلب فرد مسلمان رسوخ نکرده باشد و یا دل مریض باشد، به انگیزه های گوناگون دوستی کافران را در دل می گیرد. از این رو، خداوند متعال پس از نهی از دوستی با کافران، می فرماید: «قُلْ إِنْ تَحْفَوُا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يُعَلِّمَهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». بگو اگر آنچه در سینه های شماست پنهان دارید یا آشکارش کنید خدا آن را می داند و آنیز آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند و خداوند بر هر چیزی تواناست. (آل عمران: ۲۹)

در آیه دیگر می فرماید: «تُسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»؛ [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می کنید، در حالی که من به آنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار نمودید داناترم و هر کس از شما چنین کند قطعاً از راه درست منحرف گردیده است. (ممتحنه: ۱)

۲. **موالات عملی:** این نوع دوستی بدترین نوع دوستی با کافران است و در قالب ها و شکل های مختلف و با انگیزه های گوناگون ممکن است ظهور پیدا کند که در اینجا، به یک نمونه آن اشاره می گردد:

مائده/۵۱ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ...»؛ کلمه: لا تَتَّخِذُوا که نهی است برای همیشه نهی میکند. یعنی از دوستی نمودن با یهودیان و مسیحیان تا به قیامت جلوگیری میکند. سبب اینکه این آیه فقط از دوستی با یهودیان و مسیحیان جلوگیری مینماید این است که کفار دیگر نظیر اهل کتاب، با مسلمین محشور نبودند. و الا فرقی بین اهل کتاب و کفار در این باره نخواهد بود. معنای کلمه اَوْلِيَاءَ در اینجا: محبت و مودت و دوستی قلبی با کفار است. و این معنا منافات ندارد

با اینکه مسلمین با کفار تجارت و ایاب و ذهاب کنند. زیرا می توان تجارت کرد ولی محبت قلبی در کار نباشد. هنگامیکه دوستی قلبی با غیر مسلمان جایز نباشد بطریق اولی در تحت سر پرستی آنان قرار گرفتن هرگز مجاز نخواهد بود

در آیه ۵۲ مائده پس از نهی از دوستی با کافران می فرماید: « فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَحْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ »؛ از این رو، کسانی را که در دلشان بیماری - شک و نفاق - است می بینی که در [دوستی] آنان می شتابند، می گویند: می ترسیم که ما را رویداد بدی رسد. « دایره به معنای خط محیط است و به حادثه و بلایی که در دنیا می گردد و به انسان می رسد اطلاق می شود. بنابراین، یکی از انگیزه های دوست شدن با آنان، پناهنده شدن به آنان و یاری جستن از آنان در گرفتاری ها و حوادث ناگوار است.

## ۶. همراز نگرفتن از کافران

خداوند متعال در آیه ۱۱۸ آل عمران می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا... »؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، از غیر خودتان همراز مگیرید، که در کار شما از هیچ تباهی فروگذار نکنند. ... «

واژه «بطانۀ» مقابل «ظهارة» به معنای آستر لباس است. مفرد، جمع، مذکر و مؤنث این واژه یکی است. این واژه به صورت استعاره به فردی که از باطن و راز درونی آدمی آگاه باشد، اطلاق می شود. مراد از (مِن دُونِكُمْ) یعنی من دون المؤمنین.

واژه «خبال» در لغت به معنای تباهی و فساد است و جمله «لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا» به این معنا است که در تباهی و فساد نسبت به شما کوتاهی نمی کنند. این جمله علت نهی از همراز گرفتن غیر مسلمان است.

جمله (لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً) نکره در سیاق نفی بوده و مفید عموم می باشد. در این آیه، خداوند سبحان مؤمنان را از اختلاط با کافران، در این اندازه که آن ها را از خواص خویش به حساب بیاورند، نهی فرموده است و دلیل این نهی را کوتاهی نکردن آنان از هیچ شرّ و فسادی نسبت به مؤمنان، بیان داشته است. ۲۶ با توجه به اطلاق آیه، و قید «مِن دُونِكُمْ» و دلیلی که در ذیل آیه آمده است، همراز گرفتن از کافران (فرد، جمع و دولت) بر مسلمانان جایز نیست.

## ۷. پیروی نکردن از کافران

قرآن کریم در آیات متعدد مسلمانان را از پیروی کافران برحذر می دارد. این آیات دو گونه اند:

الف. آیاتی که از پیروی کافران به صورت مطلق نهی می کند؛ مانند: « فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا . » پس از کافران اطاعت مکن، و با الهام گرفتن از قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز. « (فرقان: ۵۲)؛

ب. آیاتی که به یکی از موارد و مصادیق اطاعت در امور شرعی اشاره کرده و برحذر می دارد؛ مانند: « وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوْلِيَاءَهُمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ »؛ و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است مخورید؛ چرا که آن قطعاً نافرمانی است و در حقیقت، شیطان ها به دوستان خود وسوسه می کنند تا با شما ستیزه نمایند و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرکید. « (انعام: ۱۲۱)

بر اساس این آیه، خداوند متعال خوردن گوشت میتة را حرام کرده است، با توجه به این که حرمت و حلیت گوشت میتة از احکام شرعی است و اگر مسلمانان از مشرکان در خوردن گوشت میتة اطاعت نمایند، در امر شرعی از آنان اطاعت نموده اند و مانند ایشان مشرک خواهند شد.

## ۸. نرمی و سازش نکردن با کافران

« وَدُّوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ »؛ دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند. (قلم: ۹) واژه «ادهان» از ماده «دهن» به معنای روغن است. «ادهان» و «تدهین» به معنای روغن مالی، کنایه از نرمی، مدارا و روی خوش نشان دادن است. مراد از آن در اینجا، سستی در امر دین و کنار آمدن با کافران است، چنان که مفسران یادآور شده اند کافران به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) پیشنهاد کرده بودند که از تعرض به خدایان ایشان کوتاه بیاید و آن ها را از شرک و بت پرستی نهی نکند و احیاناً با آنان موافقت نماید و آن ها نیز در مقابل به پرودگار حضرت متعرض نشوند.

آیه دیگری که از پیشنهاد کافران به آن حضرت در کنار آمدن در امر دین پرده برمی دارد ۳۱ آیات ۷۳-۷۵ سوره اسراء است که می فرماید: « وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا وَ لَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا إِذَا لَادَفْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا »؛ و چیزی نمانده بود که تو را از آنچه به سوی تو وحی کرده ایم گمراه کنند تا غیر از آن را بر ما ببندی و در آن صورت تو را به دوستی خود بگیرند و اگر تو را استوار نمی داشتیم قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی. در آن صورت حتماً تو را دو برابر ادر از زندگی و دو برابر [پس از] امرگ [عذاب] می چشاندیم، آن گاه در برابر ما برای خود یآوری نمی یافتی. »

## ۹. فروتن نبودن در برابر کافران

از آیات قرآن به روشنی استفاده می شود که مؤمنان در مقابل یکدیگر فروتن و مهربان و بر کافران سختگیر و سرفرازند؛ چنان که فرمود: « مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ »؛ محمد فرستاده خداست، و کسانی که با اویند، بر کافران سختگیر و در میان خود مهربانند. (فتح: ۲۹)

و نیز فرمود: « (... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ...) »؛ به زودی خدا گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، بر کافران سخت و گردن فرازند. (مائده: ۵۴)؛ بنابراین، فروتنی و خواری در برابر کافران جایز نیست.

## ۱۰. عدم ازدواج با همسران غیرمومن

در سوره بقره / ۲۲۰ و ۲۲۱ « وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَنَّ وَ لِأُمَّةٍ مُؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ يَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ . وَ بَا زَنَانِ مُشْرِكٍ، ازدواج نکنید تا ایمان آورند و قطعاً کنیز با ایمان از زن (آزاد) مشرک

بہتر است، اگرچه (زیبایی یا ثروت یا موقعیت او) شما را به شگفتی درآورد. و به مردان مشرک، زن ندهید تا ایمان آورند و قطعاً برده با ایمان از مرد (آزاد) مشرک بہتر است، ہر چند (زیبایی و موقعیت و ثروت او) شما را بہ شگفتی وادارد. آن مشرکان (شما را) بہ سوی آتش دعوت می کنند، در حالی کہ خداوند با فرمان و دستورات خود، شما را بہ بہشت و آمرزش فرا می خواند و آیات خویش را برای مردم روشن می کند تا شاید متذکر شوند...»

بنابر این ازدواج با ہمسران غیر مؤمن، می تواند تأثیر منفی بر تربیت فرزندان و نسل آیندہ انسان بگذارد، چنان کہ ممکن است آنها عامل جاسوسی برای بیگانہ باشند. گرچہ آیہ دربارہ ی ازدواج با غیر مسلمانان است، ولی ہر نوع معاشرتی کہ ایمان انسان را در معرض خطر قرار دہد ممنوع است :

۱. مسلمانان، حق پیوند خانوادگی با کفار را ندارند. «وَلَا تَنْكِحُوا»

۲. دفع خطر، مهم تر از کسب منفعت است. در ازدواج با مشرک دو احتمال در پیش است: یکی آنکہ مشرک ایمان آورد. دیگر آنکہ مؤمن مشرک شود. از آنجایی کہ خطر مشرک شدن مؤمن مهم تر است، لذا اسلام ازدواج قبل از ایمان را نہی نمودہ است. «لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ»

۳. در انتخاب ہمسر، ایمان اصالت دارد و ازدواج با کفار ممنوع است. «وَلَا لَأُمَّةٍ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ»

۴. در ازدواج، فریب جمال، ثروت و موقعیت دیگران را نخورید. «وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ» ( «وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ»

۵. مقام و مال و جمال، جای ایمان را پر نمی کند. «وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ»

۶. بہ ضعیفان و محرومان با ایمان بہا دادہ و با آنان ازدواج کنید. «لَأُمَّةٍ مُّؤْمِنَةٌ» ( «لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ»

۷. ازدواج می تواند وسیلہ ای برای دعوت بہ مکتب باشد. «حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا»

۸. غرائز باید در مسیر مکتب کنترل شود. «حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ» ( «حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا»

۹. ایمان مایہ ی ارزش است، گرچہ در بندہ و کنیز باشد و شرک رمز سقوط است، گرچہ در حر و آزاد باشد. «لَأُمَّةٍ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُّشْرِكَةٍ»

۱۰. پدر، حق ولایت بر ازدواج دخترش دارد. در مسئلہ داماد گرفتن، بہ پدر خطاب می کند کہ دختر خود را بہ مشرکان ندهید. «لَا تَنْكِحُوا» اول ایمان، بعد ازدواج. فکر نکنید شاید بعد از ازدواج ایمان بیآورند. «حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ» ( «حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا»

۱۱. از نفوذ عوامل مشرک در تار و پود زندگی مسلمانان، جلوگیری کنید و توجہ بہ خطرات مختلف این نوع ازدواج ها داشته باشید. «أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»

۱۲. ہمسر بد، زمینہ ساز جہنم است. «يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»

۱۳. عمل بہ دستورات الہی، راہ رسیدن بہ بہشت است. «وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ الْجَنَّةِ»

۱۴. مغفرت، با توفیق و اذن الہی است. بر خلاف مسیحیت کہ آمرزش را بدست بزرگان خود می دانند. «وَالْمَغْفِرَةَ يَأْتِيهَا» انسان، واقعیات را بہ طور فطری در می یابد. بیان احکام فقط برای یادآوری است. «لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

گرایش به اجتماع یکی از ویژگیهای انسان است که به اعتقاد بعضی ریشه در آفرینش او دارد. مراعات عرف عقلایی و هنجارهای پسندیده در معاشرت‌ها می‌تواند مسیر درست را برای سلامت شخص و شخصیت و جامعه نشان دهد و جامعه ایمانی را منسجم و مستحکم تر سازد. به هر حال، از آیات قرآنی و آداب پیش گفته به خوبی به دست می‌آید که مراعات بسیاری از هنجارهای عرفی و شرعی و عقلی و پرهیز از نابهنجاری‌های سه‌گانه تا چه اندازه می‌تواند روابط اجتماعی را در مسیر سازنده قرار دهد و آثار و برکات بسیاری را برای شخص و جامعه به ارمغان آورد. در این راستا در اسلام توصیه فراوان به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و رعایت حقوق انسانی غیر مسلمانان، شده است و پیشوایان اسلام پیوسته مسلمانان را به رعایت انصاف، ادای حقوق و پرهیز از آزار و اذیت پیروان مذاهب دیگر نیز توصیه می‌نمودند.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقاپور، رضا؛ ۱۳۹۱، نقش عوامل دینداری و ایمانی در بهبود روابط اجتماعی از دیدگاه قرآن، دو فصلنامه علمی - تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، سال ۴، شماره ۷
۳. ایمانی، پریسا و زارعی، سمیه، ۱۳۹۴، آداب و اخلاق و معاشرت از دیدگاه اسلام، اولین کنگره بین‌المللی روانشناسی و علوم تربیتی با رویکرد اسلامی، اردبیل
۴. (بی‌نا)، ۱۳۹۵، آداب معاشرت اجتماعی از دید قرآن و اسلام، [http://www.quranpuyan.com/yaf\\_postsm8442findunread\\_db-mshrt-jtmy-z-dyd-qrn-w-slm.aspx](http://www.quranpuyan.com/yaf_postsm8442findunread_db-mshrt-jtmy-z-dyd-qrn-w-slm.aspx)
۵. (بی‌نا)، ۱۳۹۲، آداب معاشرت با غیر مسلمانان، <https://www.porseman.com/article/26498/>
۶. (بی‌نا)، ۱۳۹۳، از نظر روایات اسلامی، رفتار مسلمانان با غیر مسلمانان چگونه است؟، <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa1854>
۷. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه دهخدا، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
۸. خزائی، احمد رضا. (۱۳۹۳). دیپلماسی پیامبر(ص) و ابزارهای توسعه روابط بین‌الملل با سایر دولت‌ها. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۷(۲۸)، ۱۰۳-۱۳۲.
۹. سلطانی شورباخورلو، اسماعیل؛ ۱۳۸۳، روابط اخلاقی و اجتماعی مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن، مجله معرفت، شماره ۸۳
۱۰. میرزایی، مهدی، ۱۳۹۱، اخلاق معاشرت و ضرورت آسیب‌شناسی آن از دیدگاه دین مبین اسلام، همایش منطقه‌ای اخلاق اجتماعی از منظر قرآن و عترت، تفت



## Examining etiquette in terms of moral and social relations with non-Muslims from the perspective of Islam

Hatam Lotfali <sup>1</sup>, Fatemeh Tghinejad <sup>2</sup>, Fatemeh Babarahmati <sup>3</sup>, Elaheh Ghadirian <sup>4</sup>

<sup>1</sup> Master's degree in jurisprudence and the basics of law and the level of two fields, Borujerdi University

<sup>2</sup> Master's student in psychology

<sup>3</sup> Master of Educational Sciences

<sup>4</sup> Bachelor of Theology

---

### Abstract :

Extensive communication between countries and nations is one of the characteristics of today's world, and on this basis, Islamic countries and Muslims do not shy away from having relations with foreign countries and non-Muslim nations. Therefore, in this connection, in addition to preserving national interests, it is very necessary to adhere to the principles of values and religious orders in the field of moral and social relations with non-Muslim countries, which the Holy Quran and traditions state. The present study was conducted with the aim of investigating social etiquette in the dimension of moral and social relations with non-Muslims from the perspective of Islam and in a descriptive and library-type way. The findings of the research indicate that Islam is a religion of pure human nature and a religion of kindness, and it has come for the guidance and happiness of all humanity, and since the choice of religion is optional, there are always more or less non-Muslims in all Islamic societies. Islam commands respect for rights, good behavior and peaceful coexistence with all people, especially followers of other religions. Both those who live in Islamic society and under the rule of Islam and those who live in non-Islamic societies.

**Key words:** Etiquette, Muslims, non-Muslims, Islam, social relations

---